

واکاوی بنیاد فکری نظام سایبرنتیک و راهکار مقابله با تهدیدات آن در نظام ولایت

رضوان هامانی^۱، زهرا حبیبیان^۲

^۱ طلبه سطح سه فلسفه اسلامی جامعه الزهرا (س) قم
و فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد فیزیک نظری دانشگاه شهید بهشتی
hamani1360@gmail.com

^۲ طلبه سطح سه فلسفه اسلامی جامعه الزهرا (س) قم
و دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده الهیات دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران
habibian213@gmail.com

چکیده

مفهوم سایبرنتیک کاملاً مجزا از مفهوم تکنولوژی است و ریشه در مباحث نظری و علوم انسانی دارد. بنیاد فکری این پدیده‌ی نوین با هدف حاکمیت بر اساس جریان اطلاعات طرح‌ریزی شده است. بنیان‌گذار این نظریه، نوربرت وینر، با الهام از الهیات یهود، کنترل جریان اطلاعات و آگاهی را ابزار کنترل جوامع معرفی می‌کند. بر این اساس، از آنجا که گستره‌ی نفوذ شیطان در قوای ادراکی انسان در محدوده وهم، خیال و حس امکان‌پذیر است، وینر حکمرانی بر باورهای بشری و کنترل قوه خیال انسان‌ها را ابزار حاکمیت سلطه و ایجاد نظم نوین جهانی می‌داند. اما قوه ادراکی که از دسترس شیطان خارج است، قوه عاقله انسان است. چنانچه بر طبق روایت تکامل عقول در عصر ظهور، بشریت در پرتو تبلیغ و تربیت حجت الهی با شکوفا شدن عقول در مسیر تکامل عقلانی قرار می‌گیرد. لذا در مقابله با حاکمیت سلطه، مبانی حاکمیت ولایت، بر محور عقلانیت پایه‌ریزی می‌شود؛ بنابراین راه مقابله با نفوذ شیطان و نیل به معرفت توحیدی از طریق حجت درون و برون و مدیریت و اشراف عقل بر کارکرد قوای ادراکی امکان‌پذیر است و راهکار مقابله با تهدیدات حاکمیت سلطه و استقرار تمدن نوین اسلامی این است که عقلانیت را در جامعه تقویت و حقایق را جهادگونه تبیین کرد.

کلمات کلیدی: سایبرنتیک، نوربرت وینر، نظام ولایت، قوه خیال، عقلانیت، جهاد تبیین.

۱ مقدمه

دانش سایبرنتیک (Cybernetics) یا رایانیک، دانش کنترل و حاکمیت بر پدیده‌های هوشمند از طریق کنترل و اشراف بر جریان اطلاعات است. مبحث این دانش طرح‌ریزی حاکمیت بر اساس جریان اطلاعات می‌باشد و امروزه جایگزینی برای علوم سیاسی شده است. زیرا مدیریت فضای فکری در افکار عمومی خارج از دایره

حاکمیت‌هاست و راه سلطه بر بشریت و تضعیف حاکمیت‌ها، کنترل فضای سایبری کشورهاست. بنیانگذار این نظریه نوربرت وینر، دانشمندی یهودی با اندیشه‌های پوزیتویسمی است، که این نظریه را نخستین بار در سال ۱۹۴۸ میلادی در کتاب «سایبرنتیک: کنترل و ارتباط در جانداران و ماشین» مطرح ساخت. وینر دو سال پس از آن در کتاب «استفاده انسانی از انسان» دلالت‌های اخلاقی و جامعه‌شناختی اثر قبلی را بیان کرد و در نهایت در سال ۱۹۶۶ میلادی اثر «خدا و گولم: یادداشت‌هایی در باب دست‌یازی‌های سایبرنتیک بر دین» را نگاشت و مبانی الهیاتی که زیر بنای تفکر او در تدوین دانش سایبرنتیک است را عنوان کرد. او با نفی اوصاف مطلق خداوند، خلقت انسان را خلق یک موجود زنده به دست موجود زنده دیگر می‌داند و خلق ماشین به دست انسان را تداوم جریان خلقت معرفی می‌کند و تکثیر ماشین را در مشابهت با تولید مثل ممکن می‌داند. او خدا را در رقابتی ناعادلانه با شیطان تصور می‌کند که در نهایت جبهه اهریمن همچون ماشینی که خالق خود را در بازی شکست می‌دهد، با اتکا بر تجارب خود و با اشراف بر اذهان و کنترل باور انسان‌ها، پیروز میدان خواهد بود و حکمرانی بر جهان را به قبضه خود در خواهد آورد.

اما چنانچه در آیات و روایات آمده، گستره نفوذ شیطان در قوای ادراکی انسان در محدوده وهم، خیال و حس امکان پذیر است و عقل انسان از دسترس شیطان خارج است. بنابراین در تقابل با این تفکر که امروزه زیر بنای نظام سایبرنتیک است، نظام ولایت که مالکیت حقیقی عالم را از آن خدا می‌داند، بر محور عقلانیت پایه‌ریزی شده و با اتکا بر عقل به عنوان حجت درون و حاکمیت انسان کامل به عنوان حجت برون، قوای ادراکی انسان‌ها را به مدیریت عقل در خواهد آورد و انسان را به غایت آفرینش خواهد رساند.

در این پژوهش به روش تحلیلی-توصیفی و با نظر به آثار وینر، مبانی الهیاتی نظام سایبرنتیک از منظر بنیان‌گذار این دانش مطرح می‌شود و با تأکید بر گستره نفوذ شیطان، راهکار مقابله با تهدیدات این نظام مطرح می‌شود تا در مواجهه با این مسئله نظریه پردازان جامعه اسلامی با آگاهی از هدف اصلی ایجاد نظام سایبرنتیک بر بارورسازی عقلانیت مردم اهتمام داشته باشند.

۲ مبانی نظام سایبرنتیک

۱.۲ پیشینه‌های الهیاتی و فلسفی نظریات حاکمیت و سلطه

اصل مشترک همه جوامع، نیاز به حاکمیت برای رفع فروپاشی و رسیدن به نظم در پرتو سلطه است. بررسی نظریات جامعه‌شناسانه و سیر تطور تاریخی حاکمیت در جوامع مختلف، ریشه‌های الهیاتی و فلسفی آن‌ها را در پیاده‌سازی سلطه و حاکمیت عرضه می‌دارد. از پیدایش انسان‌های اولیه و شکل‌گیری تمدن‌های ابتدایی گرفته تا کنکاش در سیر تمدن‌های مختلف امروزی، در جای جای سرزمین‌های بشری، مبانی فلسفی از قبیل اندیشه‌های الهیاتی سنتی یا امتدادی^۱، اندیشه الحادی، نگرش طبیعت‌گرایانه، قدرت، سود و سرمایه جریان داشته است. پس از قرون وسطی، گرایش‌های ضد کلیسا و با ابتنا بر نگرش‌های پوزیتویستی، با رویکرد روشنفکر مآبانه علم بر ضد دین که واکنشی در مقابل الهیات به انحراف رفته مسیحیت و یهودیت تحریف شده بود، غلبه و جریان یافت (مطهری، ۱۳۹۲، ۷۳) [۱۳]. و پیشرفت علوم بر مبنای ضد دینی، به گسترش

^۱ الهیات امتدادی نگرش الهیاتی است که در امتداد آن نظام ولایی شکل گرفته است

این مبنای فکری انجامید. از این رو فضای فکری یا فضا سازی فکری جوامع، در پذیرش سلطه بر مبانی خاص، موثر بوده است.

آخرین محصول تلاش غرب در زمینه حاکمیت، دستیابی به مفهوم آگاهی^۲، به عنوان ابزار سلطه است، به این معنا که کنترل جوامع از طریق کنترل جریان اطلاعات و آگاهی آن‌ها انجام پذیر است. پیش از این برای کنترل جوامع، تسلط بر پنج رکن تشکیل دهنده قدرت، شامل سیاست، فرهنگ، اقتصاد، اجتماع و امنیت، مطرح بود. اما با پیشرفت‌های علمی به تدریج در حال گذر از این چارچوب حکمرانی و ورود به عرصه حاکمیت بر اساس کنترل جریان آگاهی هستیم.

این رویکرد در نظر ابتدایی، علمی یا سیاسی تلقی می‌شود؛ در حالی که نوعی تلقی با بنیاد الهیاتی و اندیشه فلسفی است. در این نگرش که نگرشی مشرکانه است و نه الحادی؛ حاکمیت انسان ضد خدا، بر انسان رخ می‌دهد (معمارزاده، ۱۳۹۹، ۱) [۱۷]. پایه‌های اندیشه فلسفی هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه و بنیاد معرفتی مکاتب، تعیین‌کننده نگرش سیاسی و اجتماعی جوامع، به هویت، غایت، تعالی و تکامل انسان است و ثمره جامعه تنیده در افکار انسان‌گرایانه^۳ و پوزیتیویستی، با ثمره جامعه خداگرایانه و متکی بر فلسفه اسلامی، متفاوت است و به لحاظ قیاس تاریخی، سلطه جهان اسلام، که امروزه مورد تغافل بررسی‌های علمی واقع شده، با سلطه جهان غرب پس از رنسانس، از لحاظ بنیادهای معرفتی قابل قیاس نیست. اگرچه غرب پس از رنسانس در تقابل با مسیحیت و یهودیت انحرافی و برافراشتن پرچم علم بر ضد دین و خدا، ادعای الحاد و هدم الهیات را دارد؛ اما آنچه به واقع از این رویکرد نوین مشاهده می‌شود، منشأ یافته از اندیشه‌های سکولار و مدرنیته است، که قصد دارد انسان را در جایگاه خدا بنشانند و انسان را نقطه آغاز آفرینش در نظر گیرد. در حالی که خدایی انسان بر زمین و جاودانگی انسان، همه از سنخ نگرش‌های الهیاتی هستند (همان).

۲.۲ مفهوم‌شناسی سایبرنتیک

واژه سایبرنتیک^۴ اولین بار توسط نوربرت وینر ریاضیدان و اندیشمند آمریکایی-لهستانی، برای نام‌گذاری دانش کنترل جوامع از طریق کنترل جریان اطلاعات، که خود به صورت رسمی پایه‌گذاری کرده بود، ابداع شد. او در آثار خود بر این نکته تأکید دارد که «تا دوران اخیر، واژه‌ای که مبین این گروه افکار باشد وجود نداشت، و برای دربرگرفتن این حوزه افکار به تمامه در یک اصطلاح، مجبور به اختراع واژه‌ای مخصوص شدم. لذا سایبرنتیک را که از واژه یونانی کوبرننتیس^۵ به معنای «سکاندار» و منشأ واژه انگلیسی گاورنور^۶ به معنای «تنظیم کننده» انتخاب کردم» (وینر، ۱۳۶۶، ۱) [۱۶].

نظریه سایبرنتیک که در سال‌های بعد به نظریه اطلاعات مشهور شد، تکمیل شده نظریه ریاضی ارتباطی^۷ است که وینر در مقاله‌ای در سال ۱۹۴۶ مطرح کرد. وینر اعتقاد داشت سایبرنتیک علم کنترل و جریان

²Consciousness

³Humanistic

⁴Cybernetics

⁵Kubernetes

⁶Governor

⁷Mathematical Theory of Communication

اطلاعات در سیستم‌ها، ارگانیزم‌ها و جوامع است، در نتیجه با اغلب شاخه‌های علم مرتبط است و خود یک رشته و شاخه علمی نوین به شمار می‌رود (گراوندی، ۱۳۹۴، ۱) [۱۸].

وینر ثمره نظری کار خود را در قالبی فلسفی و با رویکردی سیاسی و جامعه‌شناسانه، در سطح کلان ارائه می‌دهد و مبنای طرح‌ریزی اقدام خود را کتاب‌های «سایبرنتیک»، «استفاده انسانی از انسان‌ها» و نیز «خدا و گولم» ارائه می‌دهد.

۳.۲ ریشه فکری وینر در ارائه نظام سایبرنتیک

اثر نخستین نوربرت وینر با عنوان «سایبرنتیک»، کتابی است فنی که بر اساس دانش ریاضیات و فیزیک جدید نگاشته شده و مهم‌ترین مبنای نظری گسترش کامپیوتر و ظهور شبکه جهانی وب است. وینر در کتاب بعدیش، با عنوان «استفاده انسانی از انسان‌ها»، با تأثیر از فلسفه لایبنیتس و با اشاره به نوآوری‌های گیبز در قانون عدم قطعیت فیزیک کوانتوم به مقایسه انسان و ماشین می‌پردازد. او واژه‌های متافیزیکی همچون «روح» و «زندگی» را بی‌پایه و اساس می‌داند و با نگاهی پوزیتویستی، ایجاد نسل جدیدی از ماشین‌ها که توانا در نقض اصل دوم ترمودینامیک باشند را ممکن می‌داند که در نهایت با حرکت بر خلاف افزایش آنتروپی جهان، رویای جاودانگی درعالم ماده را دست‌یافتنی خواهند کرد (وینر، ۱۳۶۶، ۲۳ و ۳۰) [۱۶].

او به تأثیر از اندیشه‌های پوزیتویستی راسل در اثر «خدا و گولم» با نفی معرفت و قدرت مطلق و یگانگی خداوند در عبودیت، ابداع ماشین به دست بشر را از سنخ خالقیت خدا می‌داند. و در مطالعه رابطه دین و علم رهایی از قید و بندهای حفظ تعهد بر تکریم امور متافیزیکی را رسالت یک دانشمند متفکر و پارسا می‌داند و قدرت، معرفت و پرستش را از دریچه علوم تجربی بدون تقیّد بر این عقیده که: «باور دارم چون باورپذیر نیست» بررسی می‌کند [۲۰].

از نظر وینر طبیعی است که آفرینش ماشین به دست ماشین به شکل خودش، تداوم جریان خلقت انسان به دست خدا به شکل خودش است و در اصل ایجاد شکاف بین جاندار و غیرجاندار، متعاقباً موجب شکاف بین خالق و مخلوق می‌شود (همان). او تقابل میان شیطان و خدا را به بازی شطرنجی تشبیه می‌کند که خدا به عنوان عالم مطلق و مالکِ تئوری بازی، بازیکن همیشه برنده بازی است و به اعتقاد او این به معنی تقلیل بازی در حد ابتذال است (همان).

او در مبنای خود، خواسته یا ناخواسته به قلمرو نفوذ شیطان در قوای ادراکی انسان، یعنی قوه خیال، توجه کرده و به مطالعه روند استفاده از آگاهی و اطلاعات، جهت دادن به آن و مدیریت و کنترل اذهان از طریق قوه خیال پرداخته است. این همان ساحتی است که بر طبق اندیشه‌دینی و فلسفه اسلامی، قابلیت تسخیر انسان توسط شیطان از طریق آن امکان‌پذیر است. وی تحت تأثیر اندیشه‌های الهیاتی و تحت سیطره نظام فلسفی پوزیتویستی، نظام سایبرنتیکی خود را در سطح جامعه و سیاست امتداد داده و طرح‌ریزی کرده است. این تفکر به جای آنکه از مفهوم «از خدا ناشی شدن» استمداد بگیرد؛ مفهوم «به خدا تبدیل شدن» را به کار می‌گیرد و از آنجا که در کتاب آفرینش تورات، «درخت دانش» به عنوان میوه ممنوعه معرفی شده است، وینر با الهام از این الهیات، راه «به خدا تبدیل شدن» را در کنترل جریان دانش و اطلاعات بشر و جوامع یافته است.

۳ گستره نفوذ شیطان در قوای ادراکی انسان

۱.۳ جایگاه قوه خیال در قوای ادراکی

قوه خیال یکی از قوای ادراکی باطنی نفس است که خزانه نگهداری صور دریافتی توسط حس مشترک است. یکی از کارکردهای خیال، نقش دوسویه خیال در انعکاس معانی باطنی در صفحه نفس و گذار از طبیعت به ملکوت عالم است. در صورت هماهنگی و اعتدال این قوه با سایر مراتب و قوای نفس و به کارگیری صحیح آن، این کارکرد فطری سعادت انسان را تأمین خواهد کرد. زیرا هر انسانی بالوجدان می‌یابد که در انجام افعال خود دارای اراده و اختیار است. از طرفی فلاسفه مبدأ شکل‌گیری اراده و صدور افعال اختیاری را صورت‌های خیالی می‌دانند؛ زیرا تا زمانی که انسان به چیزی علم نداشته‌باشد، هیچ شوق و میلی به آن نخواهد داشت. در این صورت یا این تصور خیالی تصدیق عقلانی را نیز به دنبال دارد و در نتیجه صدور فعل اختیاری از انسان موافق با تعالی و کمال حقیقی وی است؛ یا صرف تصور خیالی موجب شکل‌گیری شوق و اشتیاق مؤکد و سپس اراده بر انجام آن فعل می‌شود و هیچ تصدیق عقلانی مؤید و کمک‌کار خیال نیست. در این حالت، ممکن است عوامل گوناگونی غیر از عقل، مانند شیطان و شهوت و امیال حیوانی، بر خیال تأثیر بگذارند و موجب سوءاختیار و انحراف انسان از تعالی و کمال حقیقی شوند (یوسفی سوته، ۱۳۹۸، ۷۶) [۱۵].

بر اساس انسان‌شناسی اسلامی، نفس تحت تأثیر خیالاتی که خود آن را انتخاب و نگهداری کرده‌است به فعل و انفعالات پرداخته و بر اساس نوع خیالات از حالات انسانی به ملکاتی که سازنده جوهر ذاتی او و تعیین‌گر سعادت یا شقاوت اوست تبدیل می‌شود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۲۰۳) [۹]. اگرچه مرتبه خیال فروتر از ساحت عقل و ورای مرتبه حس است، به جهت حلقه میانی بودن بین عقل و حس محل جمع اضداد است. هر آنچه عقل به جهت تجرد، و حس از روی محدودیت و انحصار بر جزئیات، نمی‌یابد، مرتبه خیال ظرف کشف آن است؛ تا حدی که وحی بر نبی، رؤیا و تمام امور خلقی و خلاقیت‌ها و افعال انسانی انسان، در تمام مراتبش به واسطه قوه خیال صورت می‌گیرد. با این تفاوت که در مرتبه بالای خیال که مثال منفصل است نفس به انشاء و خلق مستقل از بدن قدرت پیدا می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۴۶۷) [۴].

این قدرت بر خلق را در بیان آیت‌الله حسن‌زاده آملی نیز می‌توان یافت که می‌فرماید: «خداوند نفس را مثال برای افعال خودش قرارداد؛ یعنی به او مملکتی شبیه مملکت خودش داد تا هر چه می‌خواهد بیافریند و هر چه اراده می‌کند ایجاد شود» (حسن حسن‌زاده آملی، ۱۴۱۷، ۴۱) [۳].

۲.۳ قوه خیال قلمرو اغوا و اضلال شیطانی

شیطان از آن حیث که از جنس آتش و از تبار جنیان است؛ از دیدگان انسان، پوشیده و پنهان بوده؛ اما در عین حال، به گونه‌ای با او زمزمه می‌کند و به کارهای باطل و سوسه می‌نماید؛ به گونه‌ایی که انسان تفاوتی میان آن‌ها و افکار خودش نمی‌گذارد و آن‌ها را افکار خویش می‌پندارد. از نظر علامه طباطبائی، زمزمه‌ها و سوسه‌های شیطان فقط تا محدوده ادراکات جزئی و محسوس است (طباطبائی، ۱۳۹۴، ۴۰) [۱۰]؛ زیرا شیطان تجرد برزخی دارد و محدوده شیطنت وی نشئه طبیعت و خیال است. از این رو، دسترسی به نشئه عقل و ادراکات عقلانی برای وی مقدور نیست. اما نفوس انسان‌هایی که تجرد خیالی دارند و هنوز به مقام

تجرد عقلی صعود نکرده‌اند، همواره مورد هجوم و حملات زهرآگین القائات شیطانی قرار می‌گیرند (یوسفی سوته، ۱۳۹۸، ۱۲۲) [۱۵].

بر این اساس آیت الله جوادی آملی می‌فرماید: «سقف تجرد شیطان وهم و خیال است و انسانی که از طریق قوه قدسیه، عقل کامل شده یا به مقام اخلاص بار یافته‌است؛ شیطان به خواسته‌های مشروع و موانع تحقق آن‌ها آگاهی نمی‌یابد و قدرت راهزنی نسبت به چنین انسانی را ندارد، بلکه قوه واهمه که محل ظهور شیطنت و وسیله مکر و حیلست است از باب «و مکررو و مکرر الله و الله خیر الماکرین» (آل عمران، آیه ۵۴) در استخدام او قرار می‌گیرد» (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ۱۸۵) [۵].

وجود شیطان در نظام عالم تکوین، زمینه آزمایش انسان را با شکل‌گیری جهاد درونی میان عقل و خیال فراهم می‌سازد. اضلال و اغوای شیطان از طریق وهم و خیال و حس در قالب تدلیس، تلبیس، تسویل، تأییس و تسویف برای آدمی پیش می‌آید. قلب آدمی کانون القا و هجوم شیطان است که از طریق اندام‌ها و قوای حسی و شیطنت وهم رخ می‌دهد (مؤدب و سالمی، ۱۳۹۹، ۲۰۵). بنابراین شیطان به تنهایی مانعی برای تعالی انسان نیست؛ بلکه هر انسانی با سوء اختیار و تمرد از فرامین عقلی، گرفتار تسویلات و تزییناتی می‌شود که شیطان با دخالت در صورت‌های خیالی ایجاد کرده‌است و وی را در علوم نظری و عملی دچار مغالطه کرده و منجر به تسلط خیال بر عقل می‌گردد (یوسفی سوته، ۱۳۹۸، ۱۲۴) [۱۵]. از این رو خیال می‌تواند سعادت و شقاوت انسان را رقم بزند؛ نفس می‌تواند در مرتبه خیال تحت مدیریت عقل درآید و از امور مادی و توهمات، تزکیه و تنزیه شود، ظرف علوم و معارف معنوی گردد یا می‌تواند از جنود شیطان باشد و موجب هلاکت و گمراهی انسان شود (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ۵۱۷) [۶].

فطرت الهی آدمی، خاستگاه خیر مطلق و ضامن سعادت انسان است؛ ولی این ضمانت تا هنگامی است که انسان گرفتار طبیعت و دام‌های ابلیس نشود. این تنزه از طبیعت و حجاب‌هایش، با تبعیت حیات طبیعی انسان از حیات حقیقی‌اش رخ خواهد داد. نشانه این تبعیت، فرمانروایی عقل بر وهم، حس و به‌ویژه خیال است. جهت‌گیری صحیح دستگاه ادراکی، به عنوان مقدمه و شرط کمال و سعادت، مشروط به این فرمانروایی است. نیل به معرفت توحیدی از طریق حجت درون و برون، که غایت آفرینش انسان دانسته شده، و مدیریت و اشراف عقل بر کارکرد قوای ادراکی، راه مقابله با نفوذ شیطان است (مؤدب و سالمی، ۱۳۹۹، ۲۰۵) [۱۴].

۴ نگرش متقابل نظام‌ولایی

۱.۴ حاکمیت از منظر نظام‌ولایی

بر مبنای نظام‌ولایی، مالکیت حقیقی عالم از آن خداست و این حق در سیری تشکیکی و تنازلی، مبتنی بر اذن او، بر انبیاء و سپس معصومین به جهت عصمت و برخوردارگی از شایستگی‌های روحی و معنوی و پاکی از هر نوع غرض‌ورزی و آفت‌های انسانی جریان دارد و در زمان غیبت ایشان بر اساس «اصل تنزل تدریجی» بر نزدیکترین ایشان از لحاظ فقهی، تدبیری و کفایت سیاسی به نحو انتصابی واقع می‌شود. از این رو سریان قوانین و مبانی در این نظام، بر اساس تشریح حکیمانه خداوند پیش می‌رود (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ۲۷۱-۲۷۲) [۱۲].

طبق این دیدگاه انسان تنها مخلوقی است که سزاوار جانشینی خداوند در زمین است و همانطور که بیان شد، به جهت قوه خلاقه‌ای که در نهاد او نهادینه شده می‌تواند حکمران سرزمین وجودی خود و حتی خارج از خود باشد و بر عوالم خارج از وجود خویش تأثیر بگذارد، آن‌گونه که همچون خالقش، قدرت خلق و امر پیدا کند (یوسفی سوته، ۱۳۹۸: ۱۱) [۱۵].

از سوی دیگر، اساس نظام‌ولایی مبتنی بر توحیدمحوری است و نظام توحیدی متکامل هنگامی محقق شده و تعالی بشری را به دنبال دارد، که حاکمیت الهی در تمام ساحات معرفتی، عملی و ابزاری عقل انسان سیطره یابد و این امر هنگامی رخ می‌دهد که سامان عقلی بشری در پرتو تبعیت از ولایت مأذون چیدمان یابد. رویکرد انبیاء و اولیاء الهی و در امتداد آن ائمه علیهم السلام و ولی فقیه، که همگی چنین همان نظام‌ولایی است، تأکید و تکیه بر تعقل و به فعلیت رساندن دفینه‌های عقول انسانی، از طریق ایجاد بستر مناسب برای رساندن انسان به قدرت مهار خیال خویش با عقل است.

فلسفه و حکمت اسلامی که به نوعی پشتوانه نظام‌ولایی است، با مؤیدات قرآنی و روایی از تأثیر قوه خیال در تعالی یا تنزل انسانی و فقدان یا وجدان خطا در او اشاره دارد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳، ۲۰۳) [۹]. قدرت خیال خلاقه انسانی، در مسیر عبودیت خدای کامل ادیان حقیقی ابراهیمی، او را به قدرت خلق هم می‌رساند. و انسان با سیطره عقلانی و الهی بر خیال خود می‌تواند از افسار محسوسات درآید و آن را به سلطه خود درآورد.

۲.۴ تأکید بر عقلانیت

در نگرش نظام‌ولایی انتخاب‌ها، اراده‌ها، حاکمیت و هدایت، همگی بر اساس بارورسازی قوه عقلانی و اندیشه آدمی است. ولایت فقیه نیز در چارچوبی مبتنی بر فطرت و عقلانیت تبیین شده است. مراد از عقلانیت نظام ولایی، نوعی عقلانیت فطری با لایه‌های مختلف است و عقلانیت ابزاری، یکی از لایه‌های آن است که تنها در صورت سیطره عقل کل نگر ایمن از انحراف است.

رسالت دین در نظام‌ولایی بارورسازی عقل است، احادیث و روایات بسیاری بر سیطره عقل بر قوه خیال اشاره دارد. تلاش انبیاء و اولیاء بر این است که قوه‌ی عاقله انسان به اختیار خود مهار قوه‌ی خیال را به دست بگیرد، از این رو باید بتواند قوه‌ی خیال را تحت سیطره و کنترل خود قرار دهد، وگرنه نفس انسان دچار تشتت و کثرت می‌شود و به مرتبه حیوانی و حتی پست‌تر سقوط کرده و از تعالی خود بازمی‌ماند (یوسفی سوته، ۱۳۸۹، ۶۲) [۱۵].

با توجه به فلسفه اسلامی و روایات مؤید بر آن، اثر شیطان در پیدایش مغالطات انسانی تا جایی است که انسان هویت خویش را از دست داده و حقیقتاً به شیطان و حیوان تبدیل شود (همان، ۱۷) [۱۵]. از این رو مهار افسار خیال در پرتو عقل الهی به تعالی انسان و رفع سوء استفاده‌های ظالمانه حاکمیت‌های غیر حق، منجر می‌شود.

۳.۴ ظهور و عصر تکامل عقول

شکوفایی عقل رسالت همه انبیاء و اولیا بوده است. مردم در عصر ظهور در اثر تجربه و بلوغ تاریخی، آمادگی لازم برای تکامل عقول را خواهند داشت و امام رسالت جهانی خویش را با تکامل عقول انسان‌ها آغاز می‌کند. بر اساس برخی احادیث، عقول در عصر ظهور تکامل می‌یابد و ابزار این اجماع و تکمیل عقول، دستان پرتوان ولایت است.

در زمینه عقلانیت در عصر ظهور، روایات متعددی وارد شده‌است که در این میان، روایت تکامل عقول اهمیت فراوانی دارد. این حدیث به روایت امام باقر و به سند صحیح در اصول کافی چنین نقل شده: «زمانی که قائم ما قیام کند دست لطف و رحمتش بر سر بندگان قرار دهد (یعنی به بندگان توجه کند) پس اندیشه و عقل‌هایشان را جمع کند و آنها را کامل سازد (تا حقایق و واقعیت‌های زندگی را بخوبی درک کنند و بجای پیروی از خواسته دل، از عقل پیروی کنند و تن به خواسته آن دهند)»^۸ (کلینی، ۱۳۸۷، ۴۱) [۱۱].

همان‌گونه که در برخی فرهنگ‌ها ذکر شده، «ید» کنایه از ولایت است (زمخشری، بی‌تا، ۷۱۲) [۸] و منظور از ولایت در اینجا، ولایت عام است؛ چه ولایت الهی و چه ولایت قائم (ع) و چه ولایت امام که تابع ولایت خداوند متعال و در طول آن و ناشی از تفویض الهی است. بنابراین در بیان مقصود آیه کسانی که جمع شدن عقل را ناظر به اجتماع و اجماع مردم دانسته‌اند، اختلافی در چگونگی جمع شدن عقول ندارند و کیفیت آن را تبلیغ و تبیین مکتب نورانی اسلام و تربیت، که همان پیاده کردن ایدئولوژی واحد اسلامی است، دانسته‌اند (دریگوند، ۱۳۹۴، ۵۷) [۱۹].

حاصل شدن سعادت و حقیقت حیات انسانی در جنبه‌های مختلف زندگی و رسیدن به کمال مطلوب، هدف نهایی انزال کتب و رسالت همه انبیاء و اولیای الهی بوده‌است. این هدف به سرمنزل مقصود نخواهد رسید؛ مگر در سایه هدایت عقل نظری و راهبردهای عقل عملی و کمال این دو. این همان وعده حتمی خداوند متعال است که به رهبری آخرین حجت الهی تحقق می‌یابد (همان، ۶۰). علامه جوادی آملی «آثاره دفائن عقول» را از برترین برنامه‌های وجود مبارک امام عصر دانسته‌است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۱۸۶) [۶].

امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) در خطبه نهج‌البلاغه به این مهم اشاره فرمود که علت بعثت پیامبر (ص) و پیامبران بزرگ الهی را این‌گونه معرفی کرده‌است: پیامبر آمده تا انسانها را به فطرت انسانی و سرشت انسانیت که همراه با شرف و کرامت است برگرداند؛ نعمت‌های فراموش شده الهی را به یاد آنها بیاورد و خردهای دفن شده را مبعوث کند^۹ (سیدرضی، ۱۳۹۴، ۱۵) [۲].

بنابراین بر خلاف مکاتب غربی، ما معتقدیم در آینده، دستان پرتوان ولایت بر سر مردم دنیا قرار می‌گیرد و بشریت در پرتو تبلیغ و تربیت حجت الهی از نیروهای نهفته و توانایی‌های خفته خویش بهره‌مند می‌شود و با شکوفا شدن عقول‌شان در مسیر تکامل عقلانی قرار می‌گیرند. امام سطح عقلانیت جامعه را در هر سه حوزه

^۸ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنِ الْأَمْتَنِیِّ الْحَنَاطِ عَنِ قُتَيْبَةَ الْأَعْمَشِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ مَوْلَى لَبْنِي شَيْبَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ.
^۹ «لَيْسَتْ أَدْوَاهُ مِثْقَالَ فِطْرَتِهِ وَ يُدَكِّرُوهُمْ مَنْسِي نِعْمَتِهِ ... وَ يُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ» (خطبه ۱)

عقلانیت معرفتی، اخلاقی و ابزاری شکوفا می کند (رحیم پور ازغدی، ۱۳۸۸، ۵۹) [۷].

۵ راهکار مقابله با تهدیدات نظام سایبرنتیک

تقابل با نظام سلطه گر از اصول اساسی سیاست خارجی نظام اسلامی است و همانطور که بیان شد، در جایی که عرصه این سلطه گری قوه خیال بشریت است راهکار مقابله با آن بارورسازی عقلانیت بشر و مهار قوه خیال به دست عقل است و در این مهم «جهاد تبیین» یکی از نیازهای اساسی جامعه امروز است. تبیین به معنای روشنگری و بیان حقیقت و واقعیت است. در حقیقت آنچه در تبیین مدنظر است، زدودن غبار بدفهمی، تحریف و کج فهمی از مفاهیم و معارف اسلامی و همچنین فهمیدن تحلیل های نادرست، غلط و مغرضانه از رویدادها و پیشگیری از تحریف و دریافت نادرست است؛ بنابراین، تبیین در جهت روشنگری است، بدون جهت گیری خاصی که بخواهیم مطلبی را توجیه کنیم یا امر نادرستی را درست جلوه دهیم. وجه تمایز روشی که منجر به روشنگری می شود با سایر روش ها، در مواجهه عقلانی با پدیده هاست. به عبارتی دیگر روشنگری برخلاف جریان رادیکال ایدئولوژیک که هر متن را با فرامتن خود تعریف می کند، در دایره استدلال و عقلانیت می گنجد. لذا ماهیت تبیین در دایره تفکرات اسلامی، عیار حق و باطل است. تبیین در دو امر اندیشه و پدیده های تاریخی، باید روایتی را پدید آورد که اولاً از دل عقلانیت بیرون آمده باشد و ثانیاً «حقیقی» باشد. لذا، در جهاد تبیین بر همگی واجب است تا آینده ای روشن براساس واقعیات و عقلانیت به مردم نشان دهند.

اگر بخواهیم تبیین را در معارف اسلامی ریشه یابی کنیم، مشاهده می کنیم که اصولاً پیامبران برای تبیین آمده اند؛ تبیین حقایق عالم، تبیین وجود خود انسان، تبیین ظرفیت های انسان و تبیین راه تعالی انسان در رسیدن به هدف آفرینش. به همین جهت، یکی از نام های قرآن کریم بیان است: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ»؛ قرآن تبیین کننده ای برای مردم است. رسالتی که پس از وفات پیامبر (ص)، بر عهده حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها قرار گرفت، رهبری جریان تبیینی ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام بود که با خطبه فدکیه در مسجدالنبی اقدام به استدلال بر علیه خلفای ظالم کرد. خطبه های امیرالمؤمنین نیز مملو از تبیین واقعیاتی است که در جامعه آن روز مطرح بود. مبنای قیام حسینی نیز تبیین بود. مسیری که حضرت به نام خط تبیین و به نام جهاد تبیین از منی و عرفات آغاز کرد، همان خطی است که حضرت زینب کبری سلام الله علیها در ماجرای عاشورا و شام ادامه داد.

یکی از دلایلی که بسیاری از تبیین ها در مورد وقایع تاریخ رخ نداده است، نبود زیرساخت های درست در ایجاد تبیین است. خلأ این زیرساخت می تواند به جهت بازتولید استدلال های معطوف به هدف باشد، یا به سبب وجود رسانه هایی که قدرت تأثیر بر افکار عمومی را داشته باشند. در هر صورت عدم وجود زیرساخت، امر تبیین را برای افراد هزینه زا کرده است.

۶ نتیجه‌گیری

شناخت بنیان‌های فکری نظام سایبرنتیک اولین گام در ریل‌گذاری صحیح برای رسیدن به اهداف نظام‌ولایی است. اگرچه بنیان‌گذاران این نظام ریشه‌های الهیاتی این تفکر را کتمان می‌کنند؛ اما مبانی این نظام بر گرفته از نگاهی خداستیز به الهیات یهود است و ابزار پیاده‌سازی این تفکر، سلطه بر وجه مشترک سلطه‌پذیر انسانی، قوه‌خیال انسان‌هاست.

در مقابل، نظام‌ولایی با تأکید بر عقلانیت و تطهیر خیال، در پرتو تبیین و روشن‌گری حجت بیرونی (انبیاء) از قدرت و توانایی‌های خفته حجت درونی (عقل) در تقابل با تفکر سلطه بهره می‌گیرد. اینکه چه نوع تبیینی و چگونه و با چه روشی می‌تواند در بارورسازی عقلانیت جوامع و رسیدن به اهداف نظام ولایت مؤثر باشد، پژوهش‌های جدیدی را می‌طلبد.

مراجع

- [۱] قرآن کریم.
- [۲] نهج البلاغه، سید رضی (ترجمه محمد دشتی)، چاپ اول، رواق روشن مهر، ۱۳۹۴.
- [۳] حسن زاده آملی، حسن. رسالة النور المتجلی فی الظهور الظلی، مکتب الاعلام الاسلامی مرکز النشر، ۱۴۱۷ هـ. ق.
- [۴] جوادی آملی، عبدالله. ریحیق مختوم: شرح حکمت متعالیه (تنظیم و تدوین حمید پارسا، تحقیق و پژوهش قاسم جعفری‌زاده، میثم واثقی، مهدی سلطانی)، ج ۲۰، چاپ اول، اسراء، قم، ۱۳۹۶.
- [۵] جوادی آملی، عبدالله. تحریر تمهید القواعد (ویرایش علی اسلامی، تهیه و تنظیم حمید پارسایان)، اسراء، قم، ۱۳۹۰.
- [۶] جوادی آملی، عبدالله. تسنیم (تفسیر ترتیبی قرآن کریم)، جلد ۸ (تنظیم و ویرایش علی اسلامی) اسراء، قم، ۱۳۷۸.
- [۷] رحیم‌پور ازغدی، حسن. چهار گفتار، طرح فردا، ۱۳۸۸.
- [۸] زمخشری، محمود. أساس البلاغه، دار صادر، چاپ اول، بیروت، بی تا، ۱۳۸۵ هـ. ق.
- [۹] صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم. مفاتیح الغیب (مقدمه و تصحیح از محمد خواجوی) چاپ اول، مؤسسه تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۳.
- [۱۰] طباطبائی، سید محمد حسین. ترجمه تفسیر المیزان (سید محمد باقر موسوی همدانی)، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴.
- [۱۱] کلینی، محمد بن یعقوب. اصول کافی (ترجمه سید مهدی آیه‌الهی) چاپ دوم، جهان‌آرا، تهران، ۱۳۸۷.
- [۱۲] مصباح یزدی، محمد تقی. چکیده‌ای از اندیشه‌های بنیادین اسلامی، چاپ هفتم، مؤسسه امام خمینی، قم، ۱۳۹۳.
- [۱۳] مطهری، مرتضی. علل گرایش به مادی‌گری، صدرا، تهران، ۱۳۹۲.

[۱۴] مؤدب، سید رضا و سالمی، حسین. چگونگی نفوذ شیطان در قوای ادراکی آدمی و اقسام کنش‌های آن از منظر قرآن با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)، دوفصلنامه علمی انسان‌پژوهی دینی، سال هفدهم، شماره ۴۳، ۱۳۹۹، صفحات ۲۰۵-۲۲۱.

[۱۵] یوسفی سوته، رقیه. بررسی تحلیلی نقش قوه خیال در تعالی انسان بر مبنای حکمت متعالیه، چاپ اول، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ۱۳۹۸.

[۱۶] وینر، نوربرت. استفاده انسانی از انسان: سایبرنتیک و جامعه (ترجمه مهرداد ارجمند)، چاپ اول، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۶.

[۱۷] معمارزاده، امیر. چگونه می‌توان از الهیات در جهان سایبری سخن گفت؟ سایبر پژوه، ۱۳۹۹.

<https://cyberpajoo.com/>

[۱۸] گراوندی، محسن. معرفی و مروری بر کتاب سایبرنتیک نوشته ریاضیدان نابغه قرن، وبلاگ تخصصی آمار، ۱۳۹۴.
<http://statistics94.blogfa.com/post/277>

[۱۹] دریکوند، روح‌الله و جعفری، جواد. تمرکز و تکامل عقول در عصر ظهور. اندیشه نوین دینی، شماره ۴۲، پاییز ۱۳۹۴، صفحات ۴۹ تا ۶۶.

[20] WIENER, N. *GOD AND GOLEM, Inc. A Comment on Certain Points where Cybernetics Impinges on Religion*, Massachusetts, edited and corrected by überivison, December 2019.

